

اسطوره کودکی گمشده

درنگی بر شاهکار آلن فورنیه: (مون بزرگ *)

زیبایی آن دوران را تنها در مرگ باز خواهیم یافت - آلن فورنیه

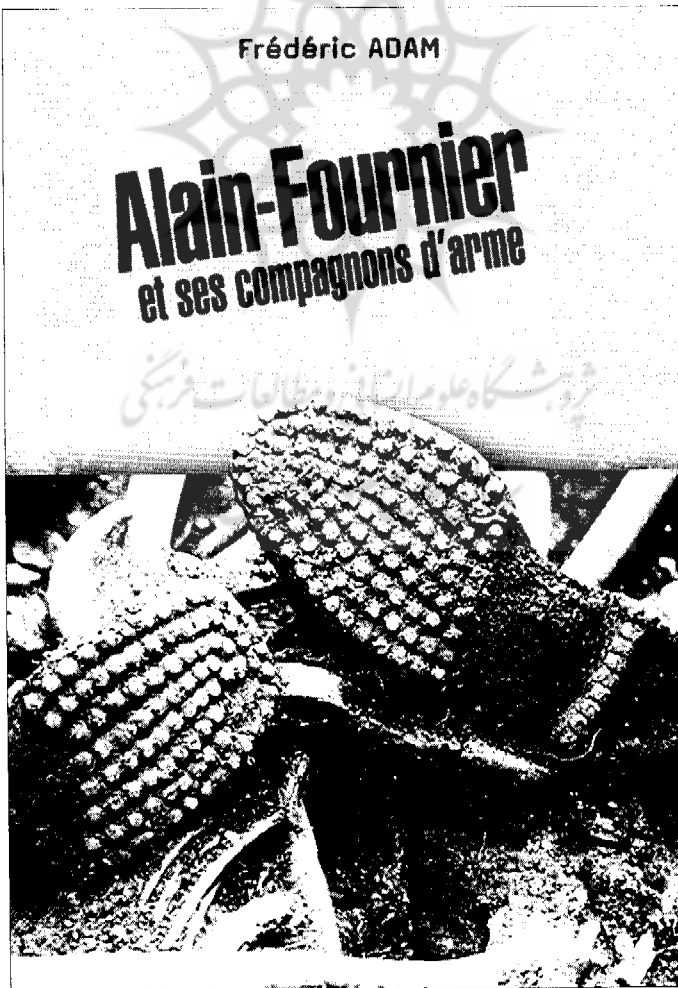
خیال به زندگی روزمره پا می‌گذارد، آگوستون مون قهرمان داستان با ورود خود به آن مدرسه به یکباره تحولی ژرف در همه امور دهکده به‌وجود می‌آورد. آشنایی مون با راوی داستان منجر به ایجاد پیوند دوستی محکم و صمیمانه‌ای بین آن دو می‌شود. با این همه آگوستون مون روستایی جوان اهل شر، خود نیز در جنگال دنیایی اسرارآمیز گرفتار است. شبی بی‌آن‌که بخواهد به‌دنبال حادثه‌ای در جاده، طعم سکرآور سرزمین گمشده (مدینه فاضله شخصی‌اش) را چشیده است. یک شب که خانه را ترک کرده، ره‌گم‌کرده در دور افتاده‌ترین گوشه سولونی به قصری نیمه‌واقعی و نیمه‌افسانه‌ای وارد می‌شود. آگوستون مون افسون شده و

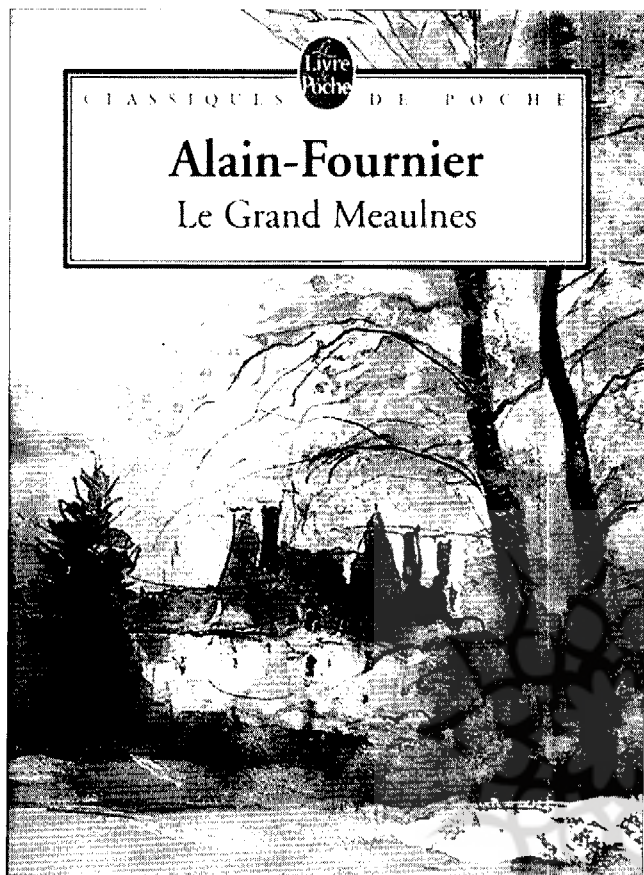
سر مست از حوادثی که در قصر می‌بیند، می‌فهمد که جشن عروسی پسر صاحب قصر با دختری اسرارآمیز از اهالی بورژ در پیش است که هیچ‌کس او را ندیده است. اما عروس جوان نرسیده است. او نخواهد آمد. نامزد او فرانتس دو گاله امید خود را از دست داده است، جشن عروسی پیش از آن‌که آغاز شود، پایان می‌گیرد. باید به دهکده و به مدرسه بازگشت اما مون بزرگ از دیدن بانوی جوان و زیبایی که به یک نظر در تالاری دیده و در گردش با قایق به دنبال او رفته سخت شیفته و مفتون شده است. مون قبل از ترک آن بانو اسم خود را به او می‌گوید و او نیز نام خود را فاش می‌کند: (ایوون دوگاله) خواهر فرانتس دوگاله، مون به دهکده برمی‌گردد ولی از آن پس تغییرات فراوانی در او شکل می‌گیرد و دیگر آن قهرمان پرشور همیشگی نیست. همشاگردی‌های قدیمی مون موضوع را به خوبی حس می‌کنند و خود را کنار می‌کشند و تنها راوی است که

آلن فورنیه در مجموعه قطوری که از مکاتباتش به چاپ رسیده از تأثیری سخن می‌گوید که جنبش سمبولیسم، موریس مترلینگ و به‌خصوص آرتور رمبو بر او گذارده‌اند. «مون بزرگ» تنها اثر داستانی آلن فورنیه در سال ۱۹۱۳ منتشر شد و برای نویسنده آن شهرتی افسانه‌ای به همراه آورد. آلن فورنیه در دسامبر ۱۹۱۴ در جنگ جهانی اول کشته شد و جنازه‌اش هیچ‌گاه به‌دست نیامد. در تاریخ ادبیات فرانسه نویسندگانی که توانسته باشند تنها با یک یا دو کتاب به جمع جاودانگان فرهنگ این کشور بپیوندند، بی‌گمان از دو یا سه تن تجاوز نمی‌کند. رمون رادیکه

کتاب

خالق رمان «دیو در تن» یکی از این نوابغ است که او هم مانند آلن فورنیه در جوانی درگذشت و شاید بتوان از پل نیزان هم یاد کرد. هرچند که او در جنگ دوم جهانی کشته شد. همان‌طور که اشاره شد مون بزرگ در کنار مکاتبات، تنها اثر مهمی است که از این نویسنده منتشر شده و به تنهایی کافی است که او را در ردیف بهترین نویسندگان فرانسه قرار دهد. این کتاب به لحاظ استحکام سبک و ساختار داستان و پیشرفت تدریجی رمز و راز و حوادث فوق‌طبیعی که رنگی از متافیزیک شاعرانه نیز چاشنی آن است، کتابی کاملاً پخته و هنرمندانه محسوب می‌شود. مون بزرگ سرشار از رؤیاها و عوالم جوانی است و به‌گونه‌ای حیرت‌انگیز رؤیا‌های سال‌های جوانی و میل ناشکیبای انسان‌ها در به‌دست آوردن و تحقق بخشیدن به این رؤیاها را به تصویر می‌کشد. در دهکده‌ای کوچک و مدرسه‌ای کوچک در منطقه سولونی (زادگاه نویسنده) ناگهان خواب و





بیچیده است و معنایی کاملاً نمادین دارد و هنرمندی آلن فورنیه در این نکته نهفته است که توانسته با موفقیت فراوان جزئیات داستان را با حال و هوای خیال و رؤیا پیوند دهد. در پایان باید به جنبه سمبولیک و نمادگرایانه داستان مون بزرگ اشاره کرد. به‌زعم آلن فورنیه درجه‌ای از خوشبختی وجود دارد که چون یک‌بار به دست آمد، برگشت به آن غیرممکن است. مون در رؤیای خوشبختی‌ای به سر می‌برد که او را از دریافت و پذیرش خوشبختی‌های دیگر ناتوان می‌کند و مطلق بودن خواسته‌اش از او انسانی جدا می‌سازد که قادر نیست آرامش و رضایت را در موجودی متناهی بیابد. لذا به دنیای ذهن و مدینه فاضله شخصی‌اش پناه می‌برد. این رمان تأثیر فراوانی بر ادبیات معاصر فرانسه گذاشته است. به تعبیر پیر بودافر منتقد برجسته ادبیات فرانسه اگر آلن فورنیه، بدان زودی رخت از جهان بر نمی‌کشید شاید یکی از بزرگترین رمان‌نویسان قرن ما می‌شد. جنین که آثار باقی‌مانده از او از جمله نامه‌هایی که به دوستانش نوشته از کیفیت بسیار کم نظیر در نویسندگی حکایت می‌کند.

اما اقبال فورنیه شاید در این بود که نویسنده یک کتاب باقی بماند و بدین طریق و برای همیشه اسطوره‌اش را با کودکی گمشده و بازیافته منطبق سازد. □

* مون بزرگ / آلن فورنیه / مهدی سجایی / نشر مرکز / ۱۳۸۷

مثل همیشه رازدار اوست و شیفته آن‌که شیعی همراه او به قصر مرموز برود.

از این پس مون تنها برای این زنده است که دختر جوان را دوباره ببیند، ولی هنگام برگشت از سفر «همان‌گونه که به وقت رفتن» راه را گم کرده و اینک قادر به پیدا کردن آن نیست. روزی شاگرد تازه‌ای به مدرسه می‌آید، جوانی بی‌سر و پا و عجیب که سعی می‌کند نقشه‌ای را که مون بنا به خاطرات خود از مکان اسرارآمیز تهیه کرده است از او بدزدد. اما جوان ولگرد مدتی بعد نواری را که روی پیشانی خود بسته است، برمی‌دارد و خود را فرانتس دوگاله معرفی می‌کند و پیش از آن‌که ناپدید شود به مون خبر می‌دهد که خواهرش در پاریس است و یک نشانی به او می‌دهد و مون و دوستش را قسم می‌دهد که اگر روزی به آن دو احتیاج داشت به باری‌اش بشتابند. مون به پاریس می‌رود ولی جز نامه‌های یاس‌آمیز برای راوی نمی‌فرستد.

دوستش روزی به هنگام گردش تصادفاً راه قصر اسرارآمیز و نیز دختری که مون برای جست‌وجویش به پاریس رفته است، پیدا می‌کند. دختر جوان با شنیدن نام مون دچار هیجان می‌شود. مون و دختر با هم عروسی می‌کنند ولی در شب جشن عروسی فریادی اسرارآمیز شنیده می‌شود که فقط مون و راوی آن را می‌شناسند و... طرح و توطئه رمان مون بزرگ خصوصاً در اواخر کتاب تا حدی